

راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان)

رضا موحدی

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، ایران

رویا اکبری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش منابع طبیعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

احمد یعقوبی فرانی

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، ایران

مجیدرضا خداوردیان

دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

هدف این پژوهش بررسی راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی می‌باشد. در این تحقیق از روش مطالعه پیمایشی با انجام یک مطالعه موردی بر روی دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان استفاده شده است. تعداد دانش‌آموختگان مذکور در مقطع کارشناسی گرایش‌های مختلف کشاورزی ۷۹۰ نفر بوده است. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ۲۱۰ نفر ($n=210$) انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود. روایی پرسشنامه از طریق روش روایی محتوایی و توسط گروهی از متخصصان مربوطه مورد بررسی قرار گرفت. پس از اصلاحات اولیه تعداد ۳۰ نمونه پرسشنامه جهت تعیین پایایی، تکمیل گردیده و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و ضریب آلفای کرونباخ مورد آزمون مقدماتی قرار گرفت و ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده ۸۲/۶ درصد محاسبه گردید که نشان‌دهنده قابلیت اعتماد بالا نسبت به ابزار تحقیق می‌باشد. در این تحقیق از جمله مهم‌ترین راهکارهایی که در جهت بهبود وضعیت دانش‌آموختگان کشاورزی به‌دست آمد عبارت بودند از: بهبود وضعیت اشتغال از طریق برقراری ارتباط تنگاتنگ بین انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی و شرکت‌های دانش بنیان فعال در بازار کار، اصلاح و تغییر برنامه‌های درسی کشاورزی در دانشگاه‌ها به‌طور منظم و متناسب با نیاز مراکز کاری، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید مرتبط با کشاورزی در بخش‌های غیردولتی اعم از خصوصی، تعاونی و سازمان‌های غیردولتی.

واژه‌های کلیدی: اشتغال، دانش‌آموختگان کشاورزی، راهکار، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

مقدمه

شواهد آماری نشان می‌دهند که وضعیت بی‌کاری در بین دانش‌آموخته‌های دانشگاهی در رشته‌های کشاورزی بسیار زیاد است. متخصص‌هایی که می‌توانستند با ورود به این بخش و کار و تلاش در بخش کشاورزی باعث پیشرفت، توسعه و خودکفایی در این بخش شوند، اکثراً یا در این بخش نتوانستند مشغول به کار شوند و بی‌کار مانده‌اند، یا به اشتغال در بخش‌های دیگر و شغل‌های کاذب روی آورده‌اند. آمار بی‌کاری دانش‌آموخته‌های رشته‌های کشاورزی بر اساس آخرین آمار، ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۸ گزارش شده که نسبت به سایر رشته‌ها بالاترین میزان را دارد (رفیعی‌طالقانی، ۱۳۸۸). این در حالی است که ساختار نیروی انسانی بخش کشاورزی بسیار نامناسب و غیرتخصصی بوده و تنها ۰/۶ درصد از شاغلین این بخش دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند (نوروزیان، ۱۳۸۴). در بخش کشاورزی طی ۲۵ سال گذشته تا کنون حدود ۵۰ هزار نفر از دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی مشغول به خدمت شده‌اند. از این میان ۳۵ هزار نفر (معادل ۷۰ درصد) در بخش دولتی و ۱۵ هزار نفر (معادل ۳۰ درصد) در بخش‌های غیردولتی مشغول به کار شده‌اند (زمانی و عزیزی، ۱۳۸۵).

توسعه کمی و نامتوازن آموزش عالی در کشور از یک سو و فقدان ظرفیت‌های مناسب برای جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی از سوی دیگر، باعث شده تا فرصت‌های تشکیل سرمایه انسانی، ارتقای بهره‌وری، و افزایش رشد اقتصادی به تهدیدهای بحران‌زا و چالش‌برانگیز در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ناشی از بی‌کاری دانش‌آموختگان تبدیل شوند. بنابراین این تحقیق به دنبال آن است تا با استفاده از مرور سوابق و موضوعات و همچنین روش پیمایش، راه‌کارهایی برای بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی ارائه نماید.

در پاسخ به این سؤال که چرا به رغم کمبودهای اساسی و نیاز فزاینده به متخصص‌های کشاورزی، دانش‌آموخته‌های موجود به‌طور مطلوب جذب بخش کشاورزی نشده‌اند؟ می‌توان موانع جذب را به شرح زیر برشمرد: مشکلات ساختاری در فرایند آموزش، جاذبه‌های بخش‌های غیرکشاورزی، مشکلات مربوط به فضا و مکان، مشکلات در بخش دولتی، مشکلات در بخش خصوصی و عدم انباشت سرمایه لازم، عدم اطلاع‌رسانی صحیح و فقدان یک نظام فناوری اطلاعات (استواری، ۱۳۸۲)، زیادی تعداد دانش‌آموخته‌های کشاورزی، نداشتن سرمایه کافی، عدم حمایت دولت، وجود افراد مسن در ادارات، عدم هماهنگی ادارات، تبعیض به‌علت جنسیت، عدم اعتماد به نفس، عدم شناخت رشته‌های تحصیلی، و کمبود فعالیت‌های اقتصادی (زمانی و لاری، ۱۳۸۳)، نداشتن توانایی کارهای عملی، ضعف کیفیت آموزش، عدم انطباق سرفصل دروس دانشگاهی با نیازهای هر منطقه (زمانی و عزیزی، ۱۳۸۵)، نبود مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی دانش‌آموخته‌ها (شهبازی و علی‌بیگی، ۱۳۸۵؛ Movahedi, 2009)، و عدم توازن بین نیازهای بازار کار و خروجی‌های دانشگاهی (شجاعی، ۱۳۸۸).

بسیاری از صاحب‌نظرها علت بی‌کاری تحصیلکرده‌های بخش کشاورزی را نبود شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار ذکر می‌کنند و راه‌حل کاهش بی‌کاری را آموزش بهینه و کاربردی می‌دانند (موحدی، ۱۳۸۳). بنابراین یکی از عوامل مهم موثر بر بی‌کاری دانش‌آموخته‌ها، برنامه‌های آموزشی دانشکده‌های کشاورزی از جمله سرفصل‌ها، محتوای دروس، تجارب یادگیری و غیره می‌باشد. متأسفانه این عامل نتوانسته به‌طور شایسته‌ای مهارت‌های لازم را به فراگیران منتقل کند. بنابراین لزوم بازنگری در برنامه‌های آموزشی موسسات آموزش عالی اجتناب‌ناپذیر است. نظام‌های آموزش کشاورزی اینک بیش از هر زمان دیگری باید برنامه‌های درسی خود را با نیازهای محلی و فرصت‌های استخدامی سازگار و منطبق نموده و در پی تأمین نیازمندی‌های بخش خصوصی و خوداشتغالی باشند.

بررسی سوابق موضوع درباره راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان در داخل کشور حاکی از انجام تحقیقات مختلفی است که نتایج برخی از آن‌ها در اینجا ذکر می‌شود. توتونچی و نصیری (۱۳۸۸) دو راه‌کار اساسی برای رفع معضل بی‌کاری دانش‌آموختگان دانشگاهی معرفی کرده‌اند: ۱) انطباق و سازگاری برون دادهای نظام آموزش عالی با نیازهای بازار کار با تاکید بر یادگیری مهارت‌های مورد نیاز بازار کار در برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها، و ۲) ارتباط دو سویه دانشگاه‌ها با مراکز اجرایی و اقتصادی (توتونچی و نصیری، ۱۳۸۸).

گل‌محمدی در سال ۱۳۸۸ نیز آموزش کارآفرینی و توسعه تعاونی‌ها را به‌عنوان دو راه‌کار اساسی اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی معرفی کرده است. وی همچنین راهبردهای اشتغال در بخش کشاورزی را شامل اصلاح ساختار نیروی انسانی بخش کشاورزی از بی‌سواد و کم‌سواد به نیروی متخصص و تحصیل‌کرده دانشگاهی و حمایت از دانش‌آموختگان دانشگاهی در توسعه فعالیت‌های جانبی و غیرمستقیم بخش کشاورزی نظیر فرآوری محصولات، بسته‌بندی و بازاریابی محصولات، خدمات عمومی و خصوصی دانسته است (گل‌محمدی، ۱۳۸۸).

زمانی و عزیزی در سال ۱۳۸۵، و زرافشانی و عباسی در سال ۱۳۸۸ استفاده از پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بخش خصوصی در به‌کارگیری و جذب دانش‌آموختگان کشاورزی را موجب کاهش نرخ بی‌کاری آن‌ها می‌دانند (زمانی و عزیزی، ۱۳۸۵؛ زرافشان و عباسی، ۱۳۸۸). *Hejazi et al.* در سال ۲۰۰۸ نیز اعلام کردند که با توجه به رشد بیش از حد دانش‌آموختگان کشاورزی و افزایش نرخ بی‌کاری آن‌ها، هدایت دانش‌آموختگان کشاورزی به سمت خوداشتغالی از طریق فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کارهای غیردولتی در بخش‌های مختلف کشاورزی می‌تواند در کاهش بی‌کاری موثر باشد (*Hejazi et al.*, 2008).

بر اساس مطالعه *Hamd-Haidari et al.* در سال ۲۰۰۸ راه‌حل‌های عمده برطرف شدن مشکلات نظام آموزش عالی کشور را در گسترش فعالیت‌های تحقیقاتی، گسترش فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، تمرکززدایی، تناسب برنامه‌های درسی با نیازهای واقعی جامعه، و گسترش روش‌های مشارکتی و دانش‌جو‌مدار در دانشگاه‌ها ذکر کرده‌اند (*Hamd-Haidari et al.*, 2008).

Movahedi در سال ۲۰۰۹، پنج عامل را به‌عنوان مهم‌ترین عوامل موثر بر بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان رشته کشاورزی شناسایی کرده است. این عوامل عبارتند از: ارتباط بین آموزش و کار، افزایش فرصت‌های شغلی، ارتقای توانایی‌های عملی اساتید، تطبیق برنامه‌های درسی در جهت اشتغال، و اصلاح نظام آموزش عالی از دانش‌مداری به مهارت‌مداری و صلاحیت‌مداری. همچنین عواملی نظیر تلفیق نیازهای بازار کار در برنامه‌های درسی، ایجاد روابط عملی و رسمی بین دانشگاه و کارفرمایان، ایجاد مراکز، دفاتر و کمیته‌های مشترک، تقویت فعالیت‌های تحقیقاتی دانشجویان، گسترش و بهبود دوره‌های کارآموزی و کارورزی، همکاری مشترک بین بخش دولتی و خصوصی، و دعوت از افراد صاحب‌نظر در مرکز کاری به‌عنوان سخنران مهمان در دانشگاه‌ها، مهم‌ترین عوامل موثر در بهبود روابط بین دانشگاه‌ها و بازارکار شناسایی گردیده است (Movahedi, 2009).

با مروری بر سوابق موضوع در سایر کشورها نیز راه‌کارهای مفید و موثری در خصوص بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی یافت شد. از جمله در سنگال، برگزاری آموزش‌های دوره‌های روستایی را می‌توان ذکر کرد که باعث آشنایی دانشجویان با مسایل کشاورزی و تقویت مهارت‌های شغلی و عملی آنان شده و بدین ترتیب شانس آنان برای دسترسی به شغل در آینده افزایش می‌یابد. در هندوراس، دوره‌های درسی برای دانشجویان کارشناسی بر پایه شعار «یادگیری از طریق عمل» و نیاز واقعی بازار کار عرضه می‌گردد که در آن‌ها به مهارت‌های عملی و آموزش فنون مختلف تاکید می‌شود. در ونزوئلا به‌منظور بهبود مدیریت اراضی به‌شیوه نوین، در دانشگاه‌های کشاورزی دوره‌های تربیت مدیران مزرعه برای دانشجویان کشاورزی برگزار می‌گردد (موحدی، ۱۳۸۳).

بر اساس مطالعات یونسکو روش بسیار موثر بعضی کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا مثل ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور در جهت بهبود وضعیت اشتغال و کاهش بی‌کاری دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی ناظر بر سه فعالیت است: (۱) اجرای آموزش‌های علمی- کاربردی؛ (۲) اصلاحات آموزشی با لحاظ کردن مهارت‌های شغلی در آموزش؛ و (۳) تأکید بر اجرای کار عملی در آموزش (آوخ‌کسیمی، ۱۳۸۲). در این کشورها، همچنین راه‌کارهای موفقی در جهت کاهش میزان بی‌کاری به کار می‌رود که از جمله آن‌ها می‌توان موارد زیر را نام برد: تاکید بر آموزش نیروی انسانی و ارتقای مهارت نیروی کار، انعطاف نظام آموزش عالی در جهت برطرف کردن نیازهای بازار کار، تقویت و توسعه خوداشتغالی، توسعه و آموزش کارآفرینی روستایی و ایجاد مراکز رشد در روستاها، توسعه و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک و مشاغل خانگی، تسهیل شرایط تولید و سرمایه‌گذاری، و حمایت‌های مختلف مالی، اعتباری، آموزشی، و حقوقی از صنایع کوچک و متوسط و فعالیت‌های قراردادی و خصوصی (امیری و فرخی، ۱۳۸۸).

در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، اجرای طرح‌های ابتکاری متعددی در حوزه کارآفرینی و آموزش‌های ویژه آماده شدن برای بخش خصوصی در دانشگاه‌ها و موسسات آموزش کشاورزی رایج می‌شود (موحدی، ۱۳۸۳).

سوانسون و همکارانش تقویت ارتباط بین دانشگاه‌ها و شرکت‌های خصوصی و مزارع تجاری را در آموختگی دانشجویان برای ورود به کسب و کارهای کشاورزی موثر می‌دانند. آن‌ها همچنین بیان می‌کنند نظام آموزش عالی کشاورزی، جهت ارتباط با بخش‌های خصوصی نیازمند انجام تغییرات و اصلاحات در سه زمینه ساختاری، سازمانی و مدیریتی می‌باشد (Swanson, et al. 2007).

مرتنز معتقد است «هر نظام آموزشی می‌بایست برنامه‌های درسی خود را به شکل قابل انعطاف طراحی، سازماندهی، اجرا، و ارزشیابی نماید و برنامه‌ها و محتواهای از پیش تعیین شده در نظام بازار کار متحول و در حال تغییر کنونی قابل قبول نیست» (Mertens, 2004).

از نظر *Katajauori et al.* دوره‌های آموزش عملی نقش موثری در بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان دارند. این دوره‌ها نه تنها میزان یادگیری دانشجویان را افزایش می‌دهند، بلکه باعث تقویت ارتباط بین دانشگاه‌ها و مراکز کاری می‌گردند (Katajauori et al., 2006).

در تایوان، با یک ابتکار جدید بسیاری از دانشگاه‌ها اقدام به تاسیس مراکز آموزش‌های مستمر در درون دانشگاه‌ها کرده‌اند. هدف اصلی این مراکز پاسخگویی به نیازهای روز جامعه، نیازهای بازار کار، و توسعه مهارت‌های حرفه‌ای برای تمامی افراد متقاضی کار می‌باشد (Hsia et al., 2008).

لین بیان می‌کند در نظام آموزش عالی کشاورزی می‌بایست تاکید خاصی بر برنامه‌های کارآموزی، مهارت‌های عملی، و مهارت‌های تخصصی وجود داشته باشد تا دانشجویان توان رقابت برای کسب مشاغل مختلف در بازارکار رقابتی را داشته باشند. وی پیشنهاد می‌کند برای این منظور دانشگاه‌ها می‌بایست حمایت‌ها و همکاری‌های بازار کار را از طریق برقراری روابط مستمر و منظم حفظ نمایند (Lin, 2006).

به اعتقاد *Wals & Bawden* ماهیت بین رشته‌ای کشاورزی و زمینه خاص فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن می‌طلبد که دانش‌آموختگان کشاورزی، دارای قابلیت‌ها و کیفیت‌های پویایی باشند تا بتوانند مقتدرانه و داوطلبانه نسبت به مسایل مختلف انتقاد، اندیشه و عمل نمایند. لذا دانش‌آموختگان کشاورزی باید دارای مهارت‌های تسهیل‌گری شامل مدیریت پروژه، ارتباطات و مذاکره باشند. علاوه بر انتقال شایستگی‌های فنی باید به دانشجویان در کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مثبت مرتبط با رشته و تخصص خود کمک نمایند (Wals & Bawden, 2000).

بررسی سوابق موضوع نشان می‌دهد که مساله اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی در ایران به‌عنوان یکی از عمده‌ترین مسایل پیش‌روی نظام آموزش عالی کشور مطرح است. بر اساس بررسی اسناد و پیمایش‌های موجود از میان مجموعه عوامل و محدودیت‌هایی که باعث معضل بی‌کاری دانش‌آموختگان کشاورزی شده است، سه عامل کلیدی را می‌توان استخراج کرد: ۱) ضعف یا فقدان راهبردهای ارتباطی بین نظام آموزش عالی کشاورزی و بازارکار؛ ۲) عدم تناسب برنامه‌های درسی رشته‌های کشاورزی (از نظر محتوی، ساختار، و روش اجرا) با نیازهای بازارکار؛ و ۳) عدم توازن بین فرصت‌های شغلی موجود و تعداد

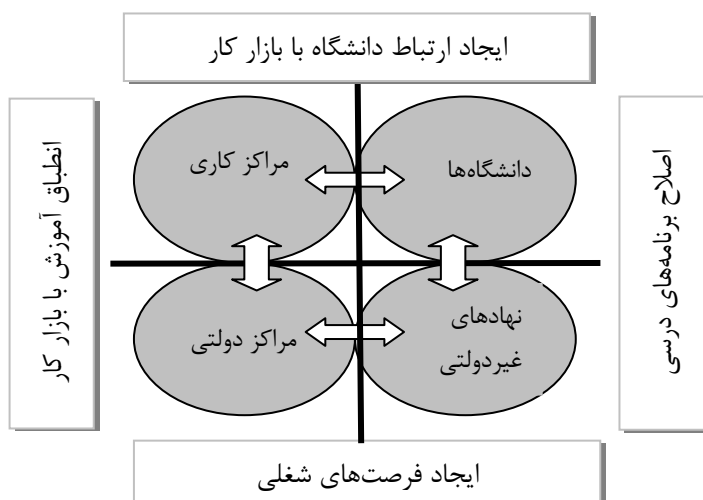
- زیاد دانش‌آموختگان. بنابراین، می‌توان چهار راه‌کار عمده را در خصوص بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی به‌عنوان نظریه‌های مشترک استخراج شده از اسناد و متون موجود مطرح کرد:
- (۱) برقراری و حفظ ارتباط بین برنامه‌های تشکلی‌های دانشگاهی و اتحادیه‌ها و اصناف ذی‌ربط بازار؛
 - (۲) انطباق مهارت‌های دانشگاهی در جهت اشتغال‌پذیری و کار؛
 - (۳) بهبود کیفیت برنامه‌ها، محتوی‌ها، و روش‌های تدریس؛
 - (۴) ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش‌های غیردولتی (کارآفرینی و خوداشتغالی، تعاونی، و سازمان‌های غیردولتی).

جدول ۱- موضوعات مشترک و نتایج مشترک استخراج شده از اسناد و پیمایش‌های موجود

موضوعات مشترک	نتایج استخراج شده
حمایت از تشکلی‌ها و انجمن‌های دانش‌آموختگان	
حمایت‌های مالی و اعتباری	
حمایت‌های دولت و نهادهای وابسته	حمایت از ایجاد فرصت‌های شغلی
حمایت از ایجاد تعاونی‌های دانش‌آموختگان	جدید در بخش‌های مرتبط با
حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی و خوداشتغالی دانش‌آموختگان	کشاورزی
قانون‌گذاری‌ها و اجرای موثر سیاست‌های اشتغال‌زایی	
حمایت از فعالیت‌های تحقیقاتی و مشارکتی دانش‌آموختگان	
حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک	
تاکید بر مهارت‌های عملی و دوره‌های کارآموزی	
انعطاف‌پذیری در انتخاب دروس مختلف کشاورزی	اصلاح برنامه‌های درسی کشاورزی
اصلاح روش‌های تدریس و ارزشیابی دانشجوی	در دانشگاه‌ها
افزایش دروس عملی و حذف دروس غیرکاربردی	
تغییر منظم محتوی‌ها و برنامه‌های درسی	
برقراری ارتباط دوطرفه بین دانشگاه و کارفرمایان	
تاسیس مراکز مشترک بین دانشگاه‌ها و مراکز کاری	ایجاد ارتباط بین مراکز دانشگاهی
تاسیس مراکز آموزش‌های حرفه‌ای در دانشگاه‌ها با همکاری مراکز کاری	کشاورزی و بازارکار
همکاری مشترک دولت با مراکز خصوصی در زمینه اشتغال	
برگزاری سمینارها و جلسات مشترک بین دانشگاه‌ها و مراکز کشاورزی	
تعادل و تناسب بین تعداد دانشجویان با نیازهای بازار کار	
آموزش مهارت‌مداری به‌جای آموزش دانش‌مداری	انطباق آموزش دانشگاهی کشاورزی
سازگاری آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای واقعی بازار کار	با نیازهای بازارکار
انطباق برنامه‌های درسی و یادگیری بر حسب کار و اشتغال	

بنابراین بر اساس سوابق موضوع می‌توان چنین نتیجه گرفت که برای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموخته‌های رشته‌های کشاورزی، محور قراردادن چهار عامل ایجاد ارتباط بین دانشگاه و بازارکار،

ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، اصلاح برنامه‌های درسی، و انطباق آموزش با بازار کار ضروری است. برای دستیابی به این مهم می‌بایست ارتباط دوطرفه‌ای بین مراکز و نهادهای مرتبط با بخش کشاورزی شامل: دانشگاه، دولت، بازارکار، و مراکز و نهادهای غیردولتی از جمله مجلس، مراکز سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در سطح کلان و منطقه‌ای برقرار نمود.



شکل ۱- مدل نظری راه‌کارهای بهبود اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

اهداف تحقیق

- هدف کلی این پژوهش بررسی راه‌کارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی می‌باشد و اهداف اختصاصی آن نیز عبارتند از:
۱. بررسی سوابق مطالعاتی در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی؛
 ۲. مقایسه برخی ویژگی‌های فردی پاسخگویان با نظرات ایشان در زمینه راه کار بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی؛
 ۳. اولویت‌بندی راه‌کار بر اساس بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیق کمی است که گردآوری اطلاعات با دو روش اسنادی و پیمایش پرسشنامه‌ای انجام گرفت. روش پیمایشی از طریق مطالعه نظرات دانش‌آموختگان دانشکده کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان صورت پذیرفت. دانش‌آموختگان مورد مطالعه در مقطع کارشناسی گرایش‌های ترویج و آموزش، ماشین‌آلات کشاورزی، آبیاری، باغبانی، خاک‌شناسی، گیاه‌پزشکی، زراعت و اصلاح‌نباتات، و علوم‌دامی طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ بودند که تعداد آن‌ها ۷۹۰ نفر ($N=790$) بود. تعداد نمونه‌های

آماري با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی به‌طور میانگین از هر رشته ۳۰ نفر جمعاً ۲۴۰ نمونه ($n=240$) برآورد گردید. پس از اصلاحات اولیه تعداد ۳۰ نمونه پرسشنامه جهت تعیین پایایی، تکمیل شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون کرونباخ‌آلفا مورد آزمایش مقدماتی قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای سؤال‌های پرسشنامه ۸۲/۶ درصد به‌دست آمد. روایی پرسشنامه از طریق روش روایی محتوایی، توسط گروهی از متخصصان مربوطه مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله جمع‌آوری داده‌ها از مخاطبان، تعداد ۲۱۰ پرسشنامه تکمیل گردید (جدول ۲).

جدول ۲- توصیف برخی ویژگی‌های دانش‌آموختگان مورد مطالعه ($n=210$)

صفت	گروه	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۱۴۴	۶۸/۹
	مرد	۶۶	۳۱/۱
محل سکونت	روستا	۸	۳/۸
	شهر	۲۰۲	۹۶/۲
علاقه‌مندی به رشته تحصیلی	بلی	۹۶	۴۰/۵
	خیر	۱۲۵	۵۹/۵
وضعیت شغلی	اشتغال به تحصیل	۲۳	۱۱/۲
	بیکار	۵۰	۲۴
	شاغل (غیردولتی)	۵۵	۲۵/۸
	شاغل (دولتی)	۸۲	۳۹
رشته تحصیلی	ماشین‌آلات کشاورزی	۲۴	۱۱/۶
	گیاه‌پزشکی	۲۵	۱۱/۸
	آبیاری	۲۳	۱۰/۹
	ترویج و آموزش کشاورزی	۲۷	۱۲/۹
	زراعت و اصلاح نباتات	۳۰	۱۴/۰
	باغبانی	۲۸	۱۳/۵
	علوم دامی	۲۷	۱۲/۹
	خاک‌شناسی	۲۶	۱۲/۴
	جمع	۲۱۰	۱۰۰

مطابق جدول فوق میانگین معدل دانش‌آموختگان مورد مطالعه ۱۵/۶۳ بود که اکثریت آنان (۶۰ درصد) علاقه‌مند به رشته خود نبوده‌اند. رشته تحصیلی پاسخگویان در ۸ گرایش مختلف در جدول مذکور نشان داده شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از دو روش آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شد. در بخش توصیفی، برای ارزیابی اطلاعات حاصل از دسته‌بندی گروه‌های آزمودنی از نظر صفات مختلف و توصیف ویژگی‌های جامعه آماری، از آماره‌هایی نظیر میانگین، درصد، فراوانی، و انحراف معیار استفاده شد. در بخش تحلیلی به منظور تعیین روابط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون، به منظور تعیین اولویت عوامل موثر

بر بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان از میانگین رتبه‌ای، و به‌منظور مقایسه بین میانگین نظرات پاسخگویان از آزمون من‌وایت‌نی و کروسکال‌والیس استفاده شد.

یافته‌ها

توصیف ویژگی‌های فردی پاسخگویان

دانش‌آموختگانی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفتند با میانگین سنی ۲۶/۲ سال و از نظر جنسیت زن بودند (۱۴۴ نفر، ۶۸/۹ درصد). محل سکونت اغلب پاسخگویان (۲۰۲ نفر، ۹۶/۲ درصد) مناطق شهری بود. در بررسی وضعیت اشتغال کنونی دانش‌آموختگان چهار گروه وجود داشت که شامل ۱۱ درصد در مقاطع بالاتر اشتغال به تحصیل، ۲۴ درصد بی‌کار، ۳۹ درصد شاغل در مراکز دولتی، و ۲۶ درصد هم شاغل در بخش‌های غیردولتی بودند.

نتایج آزمون‌های تحلیلی

نتایج آزمون من‌وایت‌نی بین متغیرهای جنسیت و محل سکونت با میانگین نظرات دانش‌آموختگان درباره راهکارهای بهبود وضعیت شغلی حاکی از آن است که بین دو گروه از دانش‌آموختگان زن و مرد یا دانش‌آموختگان ساکن روستا و شهر از نظر راهکارهای بهبود وضعیت شغلی تفاوتی وجود ندارد. یافته‌های آزمون من‌وایت‌نی بین دو متغیر علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و راهکارهای بهبود وضعیت شغلی حاکی از آن است که بین نظرات دو دسته از دانش‌آموختگان علاقه‌مند و بی‌علاقه به رشته تحصیلی در مورد راهکارهای بهبود وضعیت شغلی تفاوت معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ درصد دیده می‌شود. یافته‌های آزمون کروسکال‌والیس نشان داد که بین نظرات دانش‌آموختگان درباره راهکارهای بهبود وضعیت شغلی و رشته تحصیلی آنان تفاوت معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ درصد وجود دارد.

جدول ۳- مقایسه متغیرها با استفاده از آزمون من‌وایت‌نی و کروسکال‌والیس (n=۲۱۰)

متغیر گروه‌بندی	متغیر مورد آزمون (من‌وایت‌نی)	مقدار U	سطح معنی‌داری
جنسیت	بهبود وضعیت شغلی	۲۲۹۱/۰۰۰	۰/۶۱۴
محل سکونت	بهبود وضعیت شغلی	۱۰۶/۰۰۰	۰/۱۰۵
علاقه‌مندی به رشته تحصیلی	بهبود وضعیت شغلی	۲۴۰۲/۰۰۰	۰/۰۴۸*
متغیر گروه‌بندی	متغیر مورد آزمون (کروسکال‌والیس)	مقدار X ²	سطح معنی‌داری
رشته تحصیلی	بهبود وضعیت شغلی	۲۰/۹۲	۰/۰۴۲*

** P ≤ ۰/۰۱

* P ≤ ۰/۰۵

اولویت‌بندی راه‌کارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی

در پرسشنامه ارایه شده به دانش‌آموختگان، ۲۰ راه‌کار با عنوان عوامل مؤثر بر بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان کشاورزی پیشنهاد گردید.

طبق نتایج به‌دست آمده راه‌کارهایی که در پنج اولویت اول قرار گرفته‌اند بدین شرح می‌باشند: انطباق برنامه‌های آموزشی با نیازهای شغلی و حذف دروس غیرکاربردی، ارتباط دانشگاه با مراکز کاری و کارفرمایان بخش کشاورزی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در زمینه‌های مختلف کشاورزی، برقراری نظام اطلاع‌رسانی رسمی و قوی برای دانش‌آموختگان کشاورزی، تاکید بر مهارت‌های عملی و مورد نیاز بازار کار، همچنین سایر اولویت‌ها به ترتیب میانگین در جدول شماره ۴ ذکر شده‌اند.

جدول ۴- اولویت‌بندی راه‌کارهای بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (n=۲۱۰)

اولویت	میانگین*	راه‌کارها
۱	۴/۲۵	انطباق برنامه‌های آموزشی با نیازهای شغلی و حذف دروس غیرکاربردی
۲	۴/۱۶	ارتباط دانشگاه با مراکز کاری و کارفرمایان بخش کشاورزی
۳	۴/۱۱	ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در زمینه‌های مختلف کشاورزی
۴	۴/۰۳	برقراری نظام اطلاع‌رسانی رسمی و قوی برای دانش‌آموختگان کشاورزی
۵	۴/۰۰	تاکید بر مهارت‌های عملی و مورد نیاز بازار کار
۶	۳/۹۸	حمایت و حذف موانع موجود در زمینه فعالیت‌های خوداشتغالی و کسب و کار دانش‌آموختگان
۷	۳/۹۴	افزایش مهارت‌های کارآفرینی
۸	۳/۹۳	ایجاد صندوق حمایت از دانش‌آموختگان و دانشجویان کشاورزی
۹	۳/۹۲	افزایش مهارت‌های بازاریابی و کسب و کار
۱۰	۳/۹۱	تسهیل خدمات دولتی در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان
۱۱	۳/۸۸	افزایش دروس عملی و کاربردی
۱۲	۳/۸۷	حمایت از بخش خصوصی در به‌کارگیری دانش‌آموختگان کشاورزی
۱۳	۳/۸۶	ایجاد و توسعه تشکل‌های دانشجویی و فارغ‌التحصیلی
۱۴	۳/۸۵	افزایش تسهیلات و اعتبارات از قبیل وام برای فارغ‌التحصیلان و دانشجویان کشاورزی
۱۵	۳/۸۱	ایجاد نظام کارآموزی قوی در دانشگاه‌ها
۱۶	۳/۷۹	طراحی سیاست‌ها و قوانین استخدامی جدید
۱۷	۳/۷۸	ایجاد و حمایت از سازمان‌های غیردولتی دانش‌آموختگان کشاورزی
۱۸	۳/۷۷	انعطاف‌پذیری در گذراندن دروس و انتخاب موضوعات جدید کشاورزی
۱۹	۳/۷۶	همکاری نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی در اشتغال دانش‌آموختگان
۲۰	۳/۶۰	توجه به جنبه‌ها و جاذبه‌های گردشگری و توریستی در بخش کشاورزی

* مقیاس طیف لیکرت: ۱=خیلی کم ۲=کم ۳=تاحدودی ۴=زیاد ۵=خیلی زیاد

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اکثریت دانش‌آموختگان مورد مطالعه در این تحقیق را دانشجویان دختر ساکن شهر تشکیل می‌دهند. این مساله از نظر رشد کمی و گسترش حضور زنان در عرصه‌های آموزش عالی و تحقیقات کشاورزی می‌تواند شاخص مفیدی در نظر گرفته شود. ولی از نظر مساله اشتغال یا حضور در عرصه‌های عملی و محیط‌های کشاورزی و روستایی نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت صحیح زنان دانش‌آموخته کشاورزی در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی دارد. این یافته با نتایج تحقیقات *Hejazi et al.* (۲۰۰۸) و *Hamd-Haidari et al.* (۲۰۰۸) و *Movahedi* (۲۰۰۹) مطابقت دارد.

بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۳۹ درصد آن‌ها توانسته‌اند مشاغل دولتی را احراز نمایند، درحالی‌که ۲۴ درصد آن‌ها بی‌کار و ۲۵ درصد هم در مشاغل غیردولتی و بیشتر غیرمرتبط با بخش کشاورزی مشغول به کار بوده‌اند.

بر اساس میانگین رتبه‌ای به‌دست آمده برای هر یک از راهکارهای بهبود وضعیت شغلی دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی، پنج عامل انطباق برنامه‌های آموزشی با نیازهای شغلی و حذف دروس غیرکاربردی، ارتباط دانشگاه با مراکز کاری و کارفرمایان بخش کشاورزی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید در زمینه‌های مختلف کشاورزی، برقراری نظام اطلاع‌رسانی رسمی و قوی برای دانش‌آموختگان کشاورزی، و تاکید بر مهارت‌های عملی و مورد نیاز بازار کار، دارای بالاترین اولویت بوده‌اند.

پیشنهادات

از نظر علاقه‌مندی به رشته تحصیلی مشخص گردید که بیش از نیمی از دانش‌آموخته‌های رشته کشاورزی در منطقه مورد مطالعه علاقه‌مند به رشته خود نبوده‌اند. پیشنهاد می‌شود در یک تحقیق دیگر ابتدا دلایل این مساله بررسی شده و سپس راهکارها و راه‌حل‌های کاربردی در این زمینه ارائه گردد.

بر اساس نتایج تحلیلی بین دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف کشاورزی و نظرات آن‌ها درباره بهبود وضعیت شغلی تفاوت دیده می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود هنگام برنامه‌ریزی در خصوص بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی، این امر با توجه و متناسب با ظرفیت‌های هر رشته در نظر گرفته شود. همچنین بین علاقه‌مندی به رشته تحصیلی و نظرات دانش‌آموختگان درباره بهبود وضعیت اشتغال تفاوت وجود دارد. این امر توجه خوانندگان را به این مساله مهم معطوف می‌کند که همواره علاقه‌مندی عامل ایجاد انگیزه در هر کار می‌باشد. هر چند اکثریت دانشجویان رشته‌های کشاورزی در بدو ورود به این رشته علاقه کمتری دارند، ولی می‌توان با راهنمایی و مشاوره صحیح و به‌کارگیری روش‌های انگیزشی از جمله مشارکت دادن دانشجویان در فعالیت‌های مختلف آموزشی و پژوهشی در دوران تحصیل، آن‌ها را علاقه‌مند و با انگیزه‌تر نمود.

در نهایت با توجه به نتایج این تحقیق و بررسی مساله اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی از زوایای مختلف پیشنهاد می‌شود در جهت رفع این مشکل اساسی، راه‌کارهای زیر در محور برنامه‌ریزی و سیاست‌های خرد و کلان قرار گیرد:

- بهبود وضعیت اشتغال از طریق برقراری ارتباط تنگاتنگ بین انجمن‌ها و تشکل‌های دانشجویی و شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در بازارکار؛
 - اصلاح و تغییر برنامه‌های درسی کشاورزی در دانشگاه‌ها به طور منظم و متناسب با نیاز مراکز کاری؛
 - ایجاد فرصت‌های شغلی جدید مرتبط با کشاورزی در بخش‌های غیردولتی اعم از خصوصی، تعاونی و سازمان‌های غیردولتی؛
 - حمایت از پژوهش‌های دانشجویی از طریق تجاری‌سازی آن‌ها؛
 - ترغیب دانشجویان و دانش‌آموختگان به عضویت و همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی.
- برای تحقق این اهداف پیشنهاد می‌گردد ارتباط دوطرفه بین مراکز و نهادهای مرتبط با اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی از قبیل دانشگاه‌ها، دولت و نهادهای وابسته به آن، اتحادیه‌ها و اصناف مرتبط با بخش کشاورزی، کارفرمایان و مراکز و نهادهای غیردولتی از قبیل بخش خصوصی و تعاونی در سرلوحه کار برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، و قانون‌گذاران کشور قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود شرایط و تسهیلات لازم جهت بهبود وضعیت دانش‌آموختگان کشاورزی از طریق تقویت فعالیت‌های کارآفرینی، فعالیت‌های خوداشتغالی، فعالیت‌های مشارکتی، و آموزش‌ها و مهارت‌های عملی فراهم گردد.

منابع و مأخذ

۱. آوخ کیسمی، م. (۱۳۸۲). نقش آموزش تخصصی علمی- کاربردی در افزایش وضعیت اشتغال. مجموعه مقالات همایش نقش فن‌آوری اطلاعات در اشتغال. ۲۹-۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۰. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت. صفحات ۵۸۳-۵۷۷.
۲. استواری، م. (۱۳۸۲). فن‌آوری اطلاعات و مسئله اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در ایران. مجموعه مقالات همایش نقش فن‌آوری اطلاعات در اشتغال. ۲۹-۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۰. تهران: انتشارات علم و صنعت. صفحات ۳۰۳-۲۹۳.
۳. امیری، م.، و فرخی، ح. (۱۳۸۸). مطالعه سیاست‌های بازارکار در کشورهای موفق. مجموعه مقالات سومین همایش دو سالانه اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت مدرس. صفحات ۳۹-۲۱.

۴. توتونچی، ج.، و نصیری، ح. (۱۳۸۸). دولت، نظام آموزش عالی و اشتغال: فرصت‌ها و تهدیدها. مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت مدرس. صفحات ۸۷-۷۶.
۵. رفیعی‌طالقانی، م. (۱۳۸۸ خرداد، ۱۹). افزایش در آمار تعداد فارغ‌التحصیلان بی‌کار، کدام توسعه. روزنامه اعتماد. خرداد ماه.
۶. زرافشانی، ک.، و عباسی، ل. (۱۳۸۸). بررسی انتظارات کشاورزان گندم‌کار از دانش‌آموختگان کشاورزی: تحلیلی بر طرح مهندسان ناظر. مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت مدرس. صفحه ۳۰۵.
۷. زمانی، غ.، و عزیزی، ط. (۱۳۸۵). تحلیل نظرات مدیران اجرایی نسبت به اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی، جلد ۲، شماره ۲، صفحات ۸۶-۷۳.
۸. زمانی، غ.، و لاری، م. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال از دیدگاه دانش‌آموختگان کشاورزی جویای کار. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۲، صفحات ۴۰-۲۵.
۹. شجاعی، م. (۱۳۸۸). نظام آموزش عالی کشور و اشتغال دانش‌آموختگان. مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت مدرس. صفحات ۲۰۴-۱۸۱.
۱۰. شهبازی، ا.، و علی‌بیگی، ا. (۱۳۸۵). واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی. مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۲، شماره ۱، صفحات ۲۴-۱۵.
۱۱. گل‌محمدی، ف. (۱۳۸۸). آموزش کارآفرینی و توسعه تعاونی‌ها دو راهکار اساسی اشتغال‌زایی دانش‌آموختگان کشاورزی در شرایط جهانی شدن اقتصاد در ایران. مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اشتغال و نظام آموزش عالی کشور. ۲۴ و ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۸۶. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت مدرس. صفحات ۷۳-۴۱.
۱۲. موحدی، ر. (۱۳۸۳). آموزش کشاورزی، چالش‌ها و فرصت‌ها. همدان: انتشارات شوق دانش.
۱۳. نوروزیان، م. ع. (۱۳۸۴ بهمن، ۴). راز رکوردشکنی دانشجویان کشاورزی در مسابقه بی‌کاری. سایت خبری بازتاب. قابل دسترس در: <http://www.baztab.com/news/33974.php/>
14. Hamd-Haidari, S., Agahi, H., & Papzan, A. (2008). Higher education during the Islamic government of Iran (1979–2004). *International Journal of Educational Development*, 28(3), 231–245.
15. Hejazi, Y., Hashemi, S. M., Malek-Mohammadi, I. (2008). Iranian agricultural graduates and agri-business ventures. *American Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Science*, 4(3), 311-317.

16. Hsia, T. C., Shie, A. J., & Chen, L. C. (2008). Course planning of extension education to meet market demand by using data mining techniques, an example of Chinkuo Technology University in Taiwan. *Expert Systems with Applications*, 34(1), 596–602.
17. Katajavuori, N., Lindblom, Y., Lanne, S., & Hirvonen, J. (2006). The significance of practical training in linking theoretical studies with practice. *The International Journal of Higher Education and Educational Planning*, 51(3), 439–464.
18. Lin, J. (2006). Employment and China's private universities: Key concerns. *International Higher Education Newsletter*, 42(1), 1-28. Retrieved from 3 Feb 2010 http://www.bc.edu/bc_org/avp/soe/cihe/newsletter/Number42/p16_Lin.htm/
19. Mertens, L. (2004). *Training, productivity and labor competencies in organizations: Concepts, methodologies and experiences*. Montevideo: Centerior /ILO.
20. Movahedi, R. (2009). *Competencies needed by agricultural extension and education undergraduates for employment in the Iranian labor market*. Berlin. Retrieved from <http://Dissertation.de/>
21. Swanson, B. E., Barrick, R. K., & Samy M. M. (2007). *Transforming higher agricultural education in Egypt: Strategy, approach and results*. Proceedings of the 23th Annual Conference of AIAEE. pp, 332-342. Polson, Montana.
22. Wals, A. E. J., & Bawden, R. (2000) *Integrating sustainability in to agricultural education: Dealing with complexity, uncertainty and diverging worldviews*. Gent: ICA.